

# آئینه

شماره ۴۱  
سال هفتم

نشریه فرهنگی سیاسی بسیج دانشجویی



ویژه

# محرم

حاجه زینب کبری

کوفی عبرت تاریخ

نقش بصیرت در نهضت حسینی

# حماسه زینب کبری

همه قلم قلم شده روی زمین افتاده است ، بعضی برادر اینها بید ، بعضی فرزند اینها بید . به هر حال یک حادثه ی بسیار تلخ و وحشت آوری است . یک نفر باید این جمعیت را جمع کند . آن یک نفر زینب است .

اینکه گفته می شود در عاشورا ، در حادثه ی کربلا ، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعا پیروز شد

## عمل این پیروزی ، حضرت زینب بود

وگرنه خون در کربلا تمام می شد . زینب نشان داد که می توان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه ، به یک جهاد بزرگ . خطبه ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست ؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق ترین و غنی ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است . این جور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب نشسته باشند و ، گوش فرا داده باشند ، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند ؛ نه . یک عده دشمن ، نیزه داران دشمن دور و برشان را گرفته اند . یک عده هم مردم مختلف الحال وجود داشتند ؛ همان هایی که مسلم را به دست این زیاد دادند ، به امام حسین نامه نوشتند و تخلف کردند ، اینها بودند در بازار کوفه . حالا هم نگاه می کنند ، دختر امیرالمومنین را می بینند ، گریه می کنند . حضرت زینب با این عده ی ناهمگون و غیرقابل اعتماد مواجه است ، اما این جور محکم حرف می زند . او زن تاریخ است . این جوهر زنانه ی مومن ، این جور خودش را در شرایط دشوار نشان می دهد . او انقلاب علوی را آسیب شناسی می کند ؛ می گوید شما نتوانستید در فتنه ، حق را تشخیص بدهید ؛ نتوانستید به وظیفه تان عمل کنید ؛ نتیجه این شد که جگرگوشه ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت . عظمت زینب را اینجا می شود فهمید .

برگرفته از کتاب انسان ۲۵۰ ساله

به کوشش محمد جواد ساکت

زینب کبری یک زن بزرگ است . نمی شود گفت این عظمت فقط به خاطر این است که دختر علی (ع) یا خواهر حسین (ع) و حسن (ع) است . بخش عمده ی این عظمت از اینجاست که اولاً موقعیت را شناخت ؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین (ع) به کربلا ، هم موقعیت لحظات بحرانی عاشورا ، هم موقعیت حوادث کشنده ی بعد از شهادت امام حسین را و ثانیاً طبق هر موقعیت ، یک انتخاب کرد . این انتخاب ها زینب را ساخت .

## واقعا کربلا بدون زینب ، کربلا نبود.

عاشورا بدون زینب کبری ان حادثه ی تاریخی ماندنی نمی شد . آن چنان شخصیت دختر علی (ع) در این حادثه از اول تا آخر ، بارز و آشکار است که انسان احساس می کند یک حسین دوم است . غیر از اینکه اگر زینب نبود بعد از عاشورا چه می شد ، شاید امام سجاد هم کشته می شد ، شاید پیام حسین (ع) به هیچ کس نمی رسید . در همان دورانی که قبل از شهادت حسین بن علی (ع) هم بود ، زینب مثل یک غمخوار صدیق ،

## کسی که با بودن او ، امام حسین

## (ع) احساس تهایی نمی کرد ،

احساس خستگی نمی کرد . یک چنین نقشی را انسان در چهره ی زینب و در کلمات و حرکات زینب مشاهده می کند .

در روز عاشورا نیز زینب دارای یک وضعیت استثنایی است . بسیار وضع سخت و طاقت فرسایی بود . تمام مردها به شهادت رسیده بودند . یک نفر مرد در تمام این خیمه گاه نبود مگر امام سجاد (ع) ، که او هم مریض بود . حالا این خیمه گاه و اردوگاهی که در آن هشتاد و چهار نفر زن و بچه هستند و در میان یک دریای دشمن محاصره اند ، بعضی تشنه اند ، بعضی گرسنه اند ، یا بشود گفت همه تشنه و گرسنه اند ، دل ها همه لرزان و خائف است ، جسدهای شهدا

# "امر به معروف و نهی از منکر" پیامی از جنس عاشورا

امام حسین(ع) و یاران باوفای ایشان در راه هدف و آرمان والای خود به مقام رفیع شهادت رسیدند، زنان و کودکان آنان به بدترین وضع به اسارت در آمدند تا این پیام، این درس برای آیندگان باقی بماند که احیای امر به معروف و نهی از منکر، نجات اسلام از سراسیمی سقوط، جلوگیری از ترویج فساد و منکرات در جامعه انجنان ارزش و اهمیت دارد که برای به پا داشتن آنها حتی از جان و مال و زن و فرزند نیز باید گذشت؛ این یکی از مهمترین پیام های عاشورا ست. متأسفانه امروزه این وجه از نهضت حسینی-امر به معروف و نهی از منکر- مغفول مانده، و به فراموشی سپرده شده است. بله در جامعه فساد هست، منکرات هست، بی توجهی به دستورات اسلام هست، انواع گناه های اجتماعی به خصوص بد حجابی و بی حجابی انجام می گیرد؛ اما اینها همه و همه نبود اگر به احادیث و روایات وارده از طرف پیامبر و ائمه که دلسوزان حقیقی امتند اندکی توجه و عمل می شد. در حدیثی از پیامبر اعظم(ص) داریم: «باید امر به معروف و نهی از منکر داشته باشید. این دو باید وجود داشته باشند. وگرنه بدان بر شما مسلط می شوند بعد خوبان می خوانند و به آنها جوابی داده نمی شود.»

به واقع کمبود جامعه در حوزه دین، نتیجه کمرنگ شدن و کم فروغ شدن این فریضه الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است. این از احکام و واجبات تعیین شده از سوی خداوند و یکی از فروع ده گانه دین ماست. فردی که گناه، بی بند و باری، رواج فحشا در جامعه را ببیند، چشم خود را فرو بندد و دم بر نیاورد به حق محق و مستوجب عذاب الهی است در حدیثی از امام رضا آمده است: «هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده یکدیگر بگذارند پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند.»

کلام آخر اینکه اگر ما داعیه مسلمانی در جهان و ادعای شیعه بودن داریم و می خواهیم ملت مان نمونه، اسوه و الگوی مردم جهان قرار گیرد و اعمال و رفتار ما سرمشق دیگر ملتها قرار گیرد باید به همه فرائض و فرامین دین از جمله امر به معروف و نهی از منکر عمل کنیم تا به عنوان مسلمانان و مؤمنان واقعی مطرح شویم. و چه زیبا خود قرآن سخن نگارنده را تأیید می نماید آنجا که می فرماید: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم به وجود آمده اند که این به واسطه امر به معروف و نهی از منکر است.» یعنی این امر به معروف و نهی از منکر بوده است که به این امت ارزش و اعتبار داده است بدون این فریضه الهی شما ملتی فاقد ارزش هستید؛ زیرا بدون انجام امر به معروف و نهی از منکر، اسلامی که به این امت و ملت اعتبار و آبرو بخشیده ذره ذره از بین می رود تا اثری از آن در میان نماند.

روح الله فاضل، کامپیوتر ۹۱

قرآن کریم اولین وظیفه همه ی انبیا را انجام فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر می داند و می فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهمترین وظیفه آنان دو چیز بود: یکی امر به یکتا پرستی که بزرگترین معروفهاست(ان عبدالله) و دوم آن نهی از اطاعت و فرمان پذیری طاغوتها که بزرگترین منکرهاست(اجتنبواالطاغوت) و نیز در سوره اعراف می خوانیم: «پیامبر اسلام که نام و نشانش در تورات و انجیل آمده اولین وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است.»

در روزگاری که ظلم و جور خلفا و حاکمان به اوج خود رسیده بود، گناه و فساد جامعه را فرا گرفته بود؛ حلالها حرام و حرام ها حلال شده بود، اسلام و فرامین آن از زندگی مردم فاصله گرفته بود و در یک کلام خورشید پرفروغ و تابناک اسلام به تدریج به تاریکی می گرایید، در این زمان امام حسین(ع) تکلیف و وظیفه خود می داند بدون توجه به دلهای خفته و مرده مردم، ناراضیتی و انتقاد خود از وضعیت کنونی جامعه و شیوع و رواج فساد در بین مردم را اعلام کند: «وظیفه یک مسلمان این است که در مقابل چنین حوادثی سکوت نکند.» و این اساس و پایه نهضت حسینی را تشکیل می دهد. در واقع شالوده این قیام بر پایه یکی از واجبات مؤکد الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر بنا شده است چه اینکه خود امام(ع) از سست بودن تقاضا و درخواست بیعت از طرف مردم کوفه و زیر پا گذاشتن آن اطلاع داشتند.

ایشان هنگام خروج از مدینه در وصیت خود به برادرش محمد حنفیه می نویسد: «مردم دنیا بدانند که من یک آدم جاه طلب، مقام طلب، اخلاکگر، مفسد و ظالم نیستم، من چنین اهدافی ندارم. قیام من قیام اصلاح طلبی است. قیام و خروج کردم برای اینکه می خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم. من میخواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.» در این نامه امام(ع) آشکارا هدف خود از قیام و نهضت را بیان می نماید و هدف خود از قیام را نه به دلیل تقاضای بیعت مردم کوفه و نه به دلیل مقام پرستی و جاه طلبی بلکه مبتنی بر اصلاح امت و احیای امر به معروف و نهی از منکر می داند.

ایشان بارها و بارها در مسیر حرکت، این هدف را به لشکریان و همراهان متذکر می شوند و این در حالی است که هرچه حجم فشارها و ورود مصیبتها افزایش می یابد ایشان مصمم تر از قبل به حرکت خود ادامه می دهند و بر عقیده و هدف والای خود پافشاری و اصرار می ورزند. فی المثل پس از شنیدن خبر جانسوز شهادت مسلم می فرماید: «آیا نمی بینید این همه مفاصد پیدا شده و احدی نهی نمی کند؟ و احدی باز نمی گردد؟ در چنین شرایطی یک نفر مؤمن باید از جان خود بگذرد و لقاء پروردگار را در نظر بگیرد.»

# نهضت حسینی

هر چند که آن حضرت می دانست که حرکت وی نمی تواند دگرگونی سریع در امت ایجاد کند و تمامی امت را به مسیر اصلی بازگرداند، ولی می تواند جلوه ای دیگر از اسلام را به نمایش گذارد که کاملاً متضاد با جلوه اسلام رسمی و حکومتی از عصر خلفا تا عصر معاویه بود. حضرت می کوشد تا با خون خویش انحراف امت را از خط اصلی نشان دهد تا دست کم برخی از تابعین به خود آیند و مسیر حق را دوباره باز یابند و متنبه گردند.

از ویژگی های نهضت عاشورا بصیرت و آگاهی است که باعث قاطعیت امام و رهبری عاشورا در تصمیم گیری ها شده است. امام حسین با بصیرت کامل نسبت به فرجام قضیه عاشورا و شناخت دقیق و همه جانبه اوضاع و شرایط اجتماعی این نهضت جاویدان را رهبری می نماید. بصیرت در عاشورا دوجانبه بود، هم رهبری نهضت از بصیرت لازم برخوردار بود، می دید و می دانست آن چه را دیگران نمی دیدند و هم یاران امام حسین آگاهی و بصیرت نشان نسبت به امام خود در حد مطلوب بود، به همین دلایل است که وقتی در سخت ترین شرایط نهضت قرار می گیرند نه تنها سست نمی شوند حتی یک نفر هم از همراهان و یاران امام به دشمن پناهنده نمی شود. امام صادق علیه السلام درباره عموی خود حضرت عباس می فرماید: "کان معنا العباس نافذ البصیرة؛ عموی ما عباس دارای بصیرت ژرف بود. امام صادق علیه السلام در توصیف عموی خود از فدakarی ها و ایثار او تعریف نمی کند؛ جنگاوری و داوری او تعریف نمی کند؛ از ادب او یاد نمی کند؛ ایشان عموی خود را دارای بصیرت می خواند؛ آنهم بصیرتی عمیق. این شاخص تفاوت بین انسان هاست. حتی مردم کوفه بعد از ورود اسرا شیون ها کردند و ناله ها سر دادند. اما حضرت زینب در خطبه خود در جمع مردم این چنین فرمودند:

"ای مردم کوفه، ای اهل نیرنگ و فریب گریه می کنید. ای کاش هیچ گاه اشک چشمانتان تمام نشود و هرگز ناله هایتان خاموش نگردد همانا مثل شما مثل زنی است که رشتنه خود را پس از خوب بافتن پاره کند. شما سوگندهای خود را دستاویز فساد در میان خود قرار دادید حال آگاه باشید چه بد است آن بار گناهی که به دوش گرفته اید. آری به خدا قسم بسیار گریه کنید و اندک بختید زیرا هم آغوش ننگ و عار شدید ننگی که هیچ گاه لکه آن از دامن خود نتوانید بشوئید و چگونه می توانید این ننگ را بشوئید که نواهد خاتم پیغمبران و معدن رسالت را کشتید." حضرت زینب سکوت بعضی از مردم کوفه از یک سو و هم دستگی بعضی دیگر با این جنایت را از سوی دیگر، محکوم کردند و تأکید کردند که کوفیان با سکوت در برابر ظلم، عذاب جاودانه را برای خود خریدند.

مهدی فاضل، کامپیوتر ۹۱

در زمانیکه روح بی دینی در جامعه و در میان همه طبقات اجتماع شایع شده بود و بی آن که برده از آن برداشته شود، و بی آنکه ساختگی بودن آن و دور بودن آن از دین در میان مردم بر ملا شده باشد، امام حسین تنها کسی بود که توانست حکام را رسوا سازد و دوری بسیار این بدعت ها را از اسلام آشکار نماید. از این رو، قیام او حد فاصلی بین اسلام و حکومت اموی بود و توانست چهره حقیقی و آلودگی حکام اموری آن را نشان دهد. قیام امام حسین علیه السلام باعث در هم شکستن چار چوب ساختگی دینی که امویان و یارانشان تسلط خود را بر آن استوار ساخته بودند رسوا ساختن روح لامذهبی جاهلیت، که روش حکومت آن زمان بود گردید.

اما به راستی چه عاملی سبب شد که ندای هل من ناصر امام را کسی لبیک نکوید و فضای جامعه به سمتی پیش رود که مسلمانان با شمشیر هایی آخته رودر روی خاندان پیامبر بایستند؟ در اینجاست که فقدان بصیرت به عنوان شاه کلید دفع فتنه ها و عنصر اصلی تمیز حق از باطل نمود پیدا می کند. کسانی که در طول تاریخ دچار انحراف شدند؛ کسانی که امام حسین علیه السلام را دیدند، سخنان او را شنیدند و باز هم دور او را خالی کردند، از فقدان یک قطب نما به نام بصیرت رنج می بردند. کسی که دارای بصیرت و بینش دینی است با درایت و دید وسیعی که نسبت به امور پیدا کرده، در معرکه های فتنه همانند شتر پشه ای عمل می کند که نه بار می کشد و نه شیر می دهد. ولی کسی که صاحب بصیرت و درایت کافی در درک مسائل نباشد در دو راهی های زندگی که دو راهی های سعادت و شقاوتند، خواهد ماند. بسیاری از مردم در تعریف امام مشکل نداشتند، مسئله اصلی مصداق شناسی ضعیف آنها بود. آنها امام را نشانختند و در امام شناسی مشکل داشتند. البته بحث از این هم عمیق تر است. این افراد در خود شناسی مشکل داشتند. اینها به این درک نرسیده بودند که روح انسان به قدری با عظمت است که خود قادر به حفظ این عظمت نیست؛ بلکه نیاز به امام دارد. به دلیل همین درک ضعیف بود که پشت امام را خالی کردند و با بیزید بیعت کردند و او را امیرالمؤمنین خواندند. امت اسلامی در چنان فساد و تباهی برخاسته از غفلت و بی بصیرتی به سر می بردند که هیچ چیزی جز خون امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) و اسارت ایشان نمی توانست آنان را بیدار و هوشیار کند. امام حسین علیه السلام در چنین فضا و شرایطی خواست از فساد را از میان امت بردارد و اصلاحات ریشه ای در امت جدش (ص) انجام دهد و این نیازمند آن بود تا برده های غفلت از جلوی چشم مسلمانان و امت بردارد.

# کوفی عبرت تاریخ

مبانی فکری مردم کوفه ناشی می‌گردد و این ضعف باعث می‌شود که مردم به راحتی دین خود را تنها با تهدید و ارباب و بعضا تطمیع عده ای خواص به دنیای خود می‌فروشند و آن جفای تاریخی را در حق امام زمان خود انجام دهند.

به طور کلی ترکیب ناهمگون جمعیتی در کوفه، جمعیت رو به تزاید و رواج و گسترش فقر و نابرابری اجتماعی، تهدید رفاه عمومی، رونق بازار شک و تردید و تبلیغات نحله های مختلف فکری و ... بسترها و زمینه های مناسب برای انحرافات اجتماعی پدید آورد. اما آیا واقعا جامعه ما با شرایط و احوالات کنونی به چه میزان با جامعه کوفه در زمان امام حسین(ع) فاصله دارد؟ آیا واقعا در شرایط مشابه ما هم با عملکرد خود حسین زمان خود را تنها خواهیم گذاشت یا یک قدم بالاتر آیا بنای دشمنی و ستیز با او خواهیم گذارد؟ آیا به واقع عامل بیعت مردم کوفه با یزید چیزی جز بی تفاوتی نسبت به مسائل اسلامی بوده است؟

اگر در جامعه، احکام و دستورات اسلامی زیر پا گذاشته شد و مردم سخاوتمندانانه(!) از کنار آن عبور کردند و با روحیه تساهل و تسامح (!) خم به ابرو نیاوردند باید منتظر روزی باشیم که تاریخ دوباره و چندباره تکرار شود و مردم با یزید زمان خود بیعت کنند. تساهل و تسامح مقدمه فرهنگ بی دینی است؛ اگر ما نسبت به احکام و فرامین دین بی تفاوت باشیم و بگوییم نباید در کار دیگران دخالت کرد، باید بترسیم از روزی که که آنچه بر سر مردم کوفه آمد بر سر ما هم بیاید. باید از تاریخ عبرت گرفت.

اگر آن زمان کوفیان، نائب امام زمان خود -مسلم بن عقیل- را حمایت می‌کردند و پشتیبان او بودند هرگز ظهر عاشورا بی در تاریخ ثبت نمی‌شد. تاریخ تکرار خواهد شد اگر ما نیز نائب امام زمان خود را تنها گذاریم و او را یاری نکنیم که اگر چنین شد انتظار بی جایی نیست که سر امام زمان (عج) را بر سر نیزه بینیم.

تاریخ قیام حسین(ع) شرح عملکرد مردم کوفه است این کوفیان بودند که تقاضای بیعت با امام خود را کردند و به ندای سفیر آن حضرت جناب مسلم که دعوت به سوی حق و حقیقت بود لبیک گفتند. اما چه شد که همین کوفیان لباس عناد و دشمنی در برابر حسین(ع) را بر تن کردند و در صف جبهه ی باطل در مصاف جبهه ی حق قرار گرفتند؟ چه عاملی سبب شد که این چنین مهر بی‌آبرویی و بی وفایی بر پیشانی آشنا به خاک کوفیان نقش بندد و شهره بی وفایی و جفاکاری در طول تاریخ شوند؟ و آیا ما هم که ندای "ما اهل کوفه نیستیم" سر می دهیم واقعا مصون از لغزش ها و انحرافات اجتماعی زمان کوفیان هستیم؟ اگر بخواهیم خود را بیازماییم باید بنگریم آیا شرایطی که در آن زمان وجود داشت مشابه و مقارن آن در زمان ما هم وجود دارد یا نه؟

کوفه در واقع یک پایگاه نظامی در عراق و محل سکونت قبایل نظامی با دیدگاه ها و تفکرات و کیشها و دینهای متفاوت و مختلف بود. با گذشت زمان عده ای از سران و قبایل با برخورداری و استفاده از غنائم جنگی تدریجا از توده مردم فاصله گرفته و به طبقه اشراف اقتصادی و خواص سیاسی تبدیل شدند. در واقع کوفه شامل سه طبقه از مردم می‌شد: ۱- توده مردم (عوام) ۲- اشراف اقتصادی و خواص فکری، سیاسی، اجتماعی ۳- حکومت مرکزی

در تاریخ ابن اثیر آمده است که سی هزار نفر به منظور بیعت و حمایت از امام حسین گرد مسلم حلقه زده و او را همراهی می کردند؛ حکومت مرکزی- عبدالله بن زیاد- عده ای از خواص را تطمیع و ترغیب کرد تا به میان مردم بروند و با ارباب، ترساندن و ایجاد وحشت در دل مردم آنها را متفرق کنند تا جایی که هنگام نماز عشاء، مسلم حتی یک نفر را همراه و پشتیبان خود ندید؛ این از ضعف شناخت و سست بودن پایه های اعتقادی و

هر مومن شیعی ، به عشق حسین(ع) پرچم عدالت را بر می دارد تا در زیر فرمان امام زمان(عج) آینده روشن خود را ترسیم کند . بنابراین اگر در جهاد عدالت خواهانه به دست ظالمان و مستکبران و ستمگران شهید شود ، خود را پیروز می داند چرا که به وظیفه خود همانند امام حسین(ع) عمل کرده است و اگر شکست ظاهری بخورد ، می داند سرمایه بزرگ برای آیندگان فراهم آورده است تا عدالت را برای یاری امام زمان(عج) جهانی سازد .

بنابراین ، شیعیان با این همه آموزه های کامل از نظریه و عمل ، در کنار الگوها و سرمشق های زندگی از امام حسین(ع) تا امام زمان(عج) همانند امیرمومنان علی(ع) و امام حسن(ع) پرچم عدالت برپا می کنند و عدالت خواهان را به دور این پرچم گرد می آورند و امیدوارانه گام بر می دارند .

حکمت عاشورایی قدرت و فلسفه ظهور به آنها ، امید می دهد . از این دشمنان همواره در تلاش هستند تا عاشورا و ظهور منجی را از ایشان بگیرند و با انواع تشکیک ها و تردیدافکنی ها می خواهند نسل کنونی را از گذشته و آینده شان جدا سازند و سرگردانی و حیرت را برایشان به ارمغان آورند .

هجوم هایی که در سال های اخیر به دو مساله مهم و هویت بخش عاشورا و امام زمان(عج) انجام می گیرد ، نشان می دهد که دشمن در اندیشه هویت زدایی از شیعیان است تا آنان را نیز همانند دیگر جوامع در حیرت و سرگردانی و گسست میان آینده و گذشته قرار دهدند .

هوشیاری شیعیان تاکنون توانسته همه هجوم های دشمنان به فرهنگ والای تشیع را دفع کند و همچنان شور حسینی برای شهادت طلبی در راه عدالت و امیدواری به جهان در سایه عدالت منجی را در ایشان زنده نگه دارد .

به هر حال ، عاشورا و ظهور دو واژه به هم گره خورده در فرهنگ تشیع است ؛ چرا که این مفاهیم اکنون شیعیان را به گذشته و آینده چنان پیوند می زند که فرهنگ سرشار از زندگی ، حیات ، شور ، عشق ، جاودانگی و حرکت را برای آنان پدید می آورد . بنابراین ، بدون عاشورا صحبت از ظهور کردن بی نتیجه گذاردن حرکت حضرت امام حسین(ع) است و نوعی خودفراموشی از اصل فرهنگ عاشورا است ؛ چرا که حرکت امام حسین(ع) پیشرفت در مسیر برپایی عدالت بود که این حرکت در نهایت با ظهور امام عصر(عج) به مرحله عمل در کل جامعه بشری خواهد رسید .

باشد که همواره پاسدار فرهنگ عاشورا و انتظار باشیم تا حرکت و قدرت را در رگ های جامعه تزریق کنیم و امید به آینده را در دل ها زنده نگه داریم .

شاید تنها مکتب ، تشیع است که توانسته با فرار از گسست های تاریخی، میان گذشته و آینده ارتباط معناداری تعریف کند و توصیه های مناسب برای حال افراد و جوامع ارایه دهد . از این رو شیعیان هرگز در وظیفه تاریخی خود شک و تردید نمی کنند و می دانند که در حال چگونه باشند تا آینده آنان تضمین شود . آن چه حیرت و سرگردانی را از شیعیان در میان توفان بنیان کن رخدادها و فتنه ها بر می دارد و تکلیف آنان را به تمام و کمال روشن می سازد ، حکمت قیام عاشورایی و فلسفه ظهور منجی است . امام حسین(ع) و امام زمان(عج) ، پیوند گذشته با

# از عاشورا

## تا ظهور

امام حسین(ع) و امام زمان(عج) ، پیوند گذشته با آینده است . شیعیان با پشتوانه عاشورایی ، وظیفه کنونی خود را می دانند و به امید آینده ای روشن برای خود و فرزندان ، حرکت ها و قیام های عدالت خواهانه خود را سامان می دهند . بنابراین ، شیعیان هرگز در لحظه های تاریخی و در درون فتنه ها سرگردان و حیران نمی مانند ؛ چرا که می دانند چه وظیفه ای دارند و برای چه هدفی بزرگ باید حرکت کنند . در نتیجه هرگز گسستی میان گذشته و آینده ایشان پدید نمی آید .

به کوشش محمد جواد ساکت

# آیه ۲۴ سوره می توبه

است . او که زمانی همپای علی (ع) می جنگید و همچنین لقب سیف الاسلام از پیغمبر دریافت کرده بود ، در آزمون مال و فرزند مردود شد . او جزء افرادی شده بود که از بیت المال برای ثروت اندوزی بهره گرفت و نیز در مورد فرزندش همین بس که امام علی (ع) فرمود: « زیبر همواره با ما بود تا آنکه فرزند نامبارکش عبدا... ، پا به جوانی گذاشت » .

اما آن طرف جایی است که حسین (ع) ، شهید بزرگ تاریخ ، تک تک موارد این آیه مبارکه را به وضوح تفسیر می کند . او در این راه فرزند می دهد ؛ شیرخواره تا جوان رعنا . او در این معرکه برادر پهلوان خود را از دست می دهد . حسین (ع) مجبور می شود در میان گله ی گرگ ها ، شهید شود و خواهرش را که ناموس اوست ، تنها بگذارد . با کسب مال و تجارت هم خیلی وقت پیش خداحافظی کرده بود . به راستی که او این آیه را عملاً تفسیر کرده است .

بگو : « اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما ، و اموالی که به دست آورده اید ، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید ، و خانه هایی که به آن علاقه دارید ، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است ، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند ؛ و خداوند جمعیت فاسق را هدایت نمی کند ! »

موارد هشت گانه ی فوق ملاک و معیاری است که هر روز و هر زمان ، می توانیم خود را با آنها بسنجیم . از این رو هرگاه که خود را در دام فرزند ، نژاد ، مال و ... دیدیم باید نپییب فاسق شدن را به خود بزنیم . در طول ادوار مختلف انسان های زیادی با این آزمون ها سنجیده شدند . برای مثال قوم بنی اسرائیل که دائماً گرفتار نژادپرستی های کورکورانه بودند و طایفه ی خویش را برتر از خدا و پیامبرش دیدند . نمونه ی بارز دیگر در همین صدر اسلام و در میان یاران پیامبر (ص) ، زیبر

## شعر

و حق بهای یک دوست نداشت بر سر ملات

وای بر اینا

کاک می خواهم بزنم کاک

طلا و سکنجون خون دل بکنم

کبک می خواهم بزنم کبک

شب شده است

یا چه آزادی رسد بر طلا و نژاد

بچه نکان در کانیست...

طلا و آذوقه ای بی کاک

طلا و سرست از برین های خوش آکنم

طلا و فزایش بر کبک

باید آن بر زمین قرابت آن به راست

طلا ، این طلا...

کاک آکنم

مر طلا در کنگ...

کبک آکنم

از ایمان علیخانی، مهندسی شیمی ۹۰

الحین مصباح الهدى  
و سفینه النجاة



**فروش کتاب های ویژه ایام محرم با ۳۰ درصد تخفیف**



## فتح خون

سید مرتضی آوینی

## آذر خشی دیگر از آسمان کربلا

آیت الله مصباح یزدی

## عقل سرخ

حسن رحیم پور ازغدی

\* جهت خرید کتاب و کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۳۸۵۵۲۴۱۲۱ آقای اکبری تماس بگیرید



## س تون پیامکی



خیلی ضعیف کار میکنند. به نظر من فقط مطلب پیشرفت گلخانه ای تا حدی طراحی مناسب داشت. بلاخره نشریه دانشجوییه دیگه!!!

۰۹۱۵\*\*\*۷۷۴۰

سلام شعر ص ۶ از دکتر شریعتی نیست

۰۹۳۶\*\*\*۰۹۹۶۰

س. مطالبتون خوبه فقط طولانیه راستی شعر دکتر شریعتی عالی بود

۰۹۳۹\*\*\*۷۶۹۵

سلام علیکم خدا قوت ممنون از نشریه مثل فلفل ریز و تند و تیزتون در صفحات کم با مطالب بروز و جالبتون دوست دارم مطالبم در نشریه شما چاپ شود راهنماییم کنید.

۰۹۱۵\*\*\*۷۷۵۲

مطالب نشریه تون خیلی طولانیه. فکر نکنم کسی حال و حوصله خوندنش رو داشته باشه

۰۹۳۷\*\*\*۰۳۶۷

سلام شعری که از استاد شریعتی چاپ کردید بسیار خوب بود از این کار های ادبی و استفاده از سخن بزرگان بیشتر انجام بدید.

۰۹۳۵\*\*\*۵۶۹۲

سلام مطالب چاپ شده خیلی خوب و کارشناسی شده بودند. خدا قوت

۰۹۱۵\*\*\*۵۲۹۴

سلام. به غیر از تفسیر آیه سوره بقره بقیه خوب بود. مطلب آقای فیاض هم خیلی خوب بود. از نظر طراحی هم



رایانامه : [nashriye@yahoo.com](mailto:nashriye@yahoo.com)

پل ارتباطی : ۰۹۳۶۸۹۹۶۴۳۹



اعضای تحریریه : روح الله فاضل ، مهدی فاضل ، محمد جواد ساکت ، حسن اکبری ، با همکاری : ایمان علیخانی

طراحی : مهدی کتابدار

نشریه فرهنگی سیاسی آئینه صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی شماره مجوز : ۹۱۱۶۹۱ مدیر مسئول و سردبیر : محسن اصغری

